

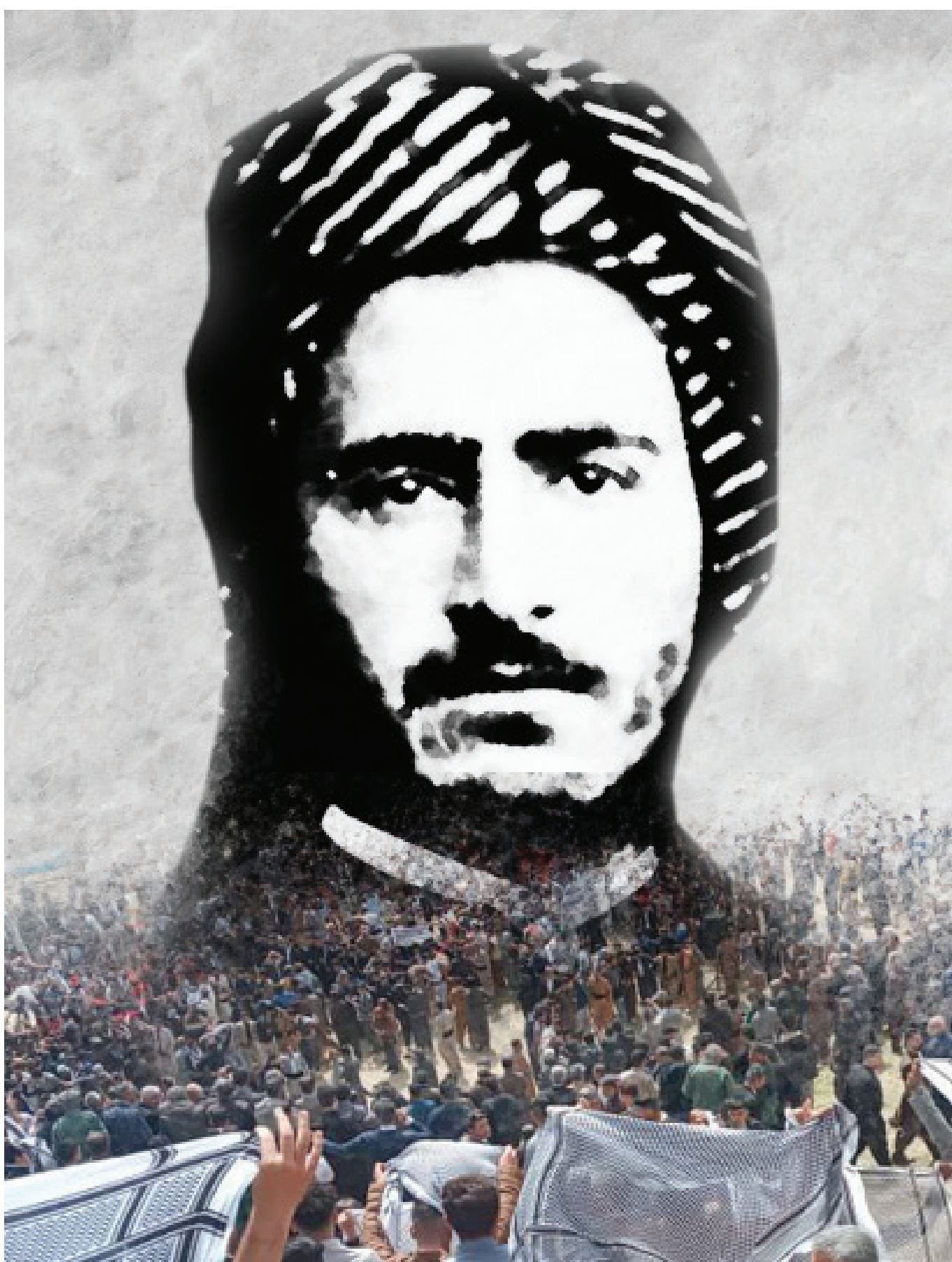
۱۰ فروردین سالروز اعدام پیشوا قاضی محمد و یارانش از رهبران جمهوری کوردستان به دست رژیم ستم شاهی پهلوی

شامگاه ۱۰ فروردین ۱۳۲۴ شمسی، جلادان کوردستیز رژیم ستم‌شاهی پهلوی عازم مهاباد شدند تا رئیس‌جمهور کوردستان و یارانش را به جوخه اعدام بسپارند؛ به گمان آنکه با اعدام آن جاویدنامان، دیگر کوردها از مطالبات برحق خود دست خواهند کشید. جلادان می‌خواستند به زندگی شخصیتی پایان دهند که اسوهی از خودگذشتگی و فداکاری بود. جانپان رژیم پهلوی که غرق در افکار واهی و ددمنشی خود بودند، گمان میبردند که با اعدام پیشوا، آرمانها و افکار این رهبر فرزانه نیز به ورطه فراموشی سپرده خواهد شد! غافل از اینکه مرگ قاضی محمد و یارانش در بهار جوانه گشته و هر دم شکوفه خواهد زد و ... آری! امروز اندیشه، آرمانها و آرامگاه پیشوا و یارانش میعادگاه جوانان راه آزادی کوردستان است و راهشان همچنان پر رهرو ...



نوروز هویت‌طلبی

اهتزاز پرچم مبارزه و اتحاد در قلمرو کوردستان



مصطفی هجری:

خط مشی ملی پیشوای کوردها جاویدان است

۱۰ فروردین ۱۳۲۶ هجری شمسی در تاریخ ملت کورد یادآور رویدادی تلخ و ناگوار است که فراموش نخواهد شد. در این روز پیشوار قاضی محمد، رئیس‌جمهور کوردستان همراه با ابوالقاسم صدر قاضی و محمدحسین خان صیف قاضی اعدام شدند. اما ناو و آوازه آنان به رمز مبارزه و مقاومت کوردستان بدل گشت. مردم کوردستان در این روز که به روز شهدای کوردستان شناخته شده است بر مزار شهدا حضور یافته و با خانواده‌های آنان دیدار نموده و با راه و اهداف شهدا تجدید میثاق خواهند نمود. ۱۰ فروردین، معنی مشترک نزد ملت کورد دارد، آن هم ادامه راه و مشی شهدا و زنده نگاه داشتن خط مشی پیشوای کوردان بوده است. در این روز سر تعظیم برای روح پاک شهدا فرود آورده و با راه و اهداف شهدا تجدید میثاق خواهیم کرد و درود و سلام به خانواده آنان می‌فرستیم.

مصطفی هجری

مسئول مرکز اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران
۹ فروردین ۱۴۰۳ خورشیدی

پیام مصطفی هجری

به مناسبت مشارکت شکوهمند مردم نستوه کوردستان ایران در نوروز شعله‌های رهایی

کوردستانیان گرانقدر!

قبل از فرارسیدن نوروز طی پیامی این مناسبت را به شما مردم نستوه کوردستان تبریک و شادباش گفته بودم. اما آنچه موجب شد تا دوباره چند جمله‌ای را به همین مناسبت عرض نمایم، این جوش و خروش نوروزی بی‌نظیری بود که در مناطق جنوبی کوردستان ایران شاهد بوده و هستیم. مسائل بسیاری باعث شده‌اند نوروز امسال خاص باشد، اما مهمتر از همه شور و شوقی بود که کوردستانیان استان‌های ایلام و کرمانشان به نوروز امسال بخشیدند. در این خصوص می‌خواهم بگویم: آن حماسه‌ای که با حضور پررنگتان نشان دادید، روحیه و اراده‌ی مضاعفی به جنبش رهایی‌بخش کوردستان بخشید. به منصف ظهور کشیدن هویت کوردستانی از سوی شما تبلور اراده به منظور نامید ساختن رژیم‌های انحصارطلبی بود که برای ده‌ها سال تقلاي ممانعت از آن را داشته تا اجازه ندهند شما خود را کورد و کوردستانی بدانید. اما اتحاد ستودنی‌تان در نوروز امسال ثابت کرد که همیشه بخشی گسست‌ناپذیر از کوردستان بوده‌اید. نوروزتان مبارک و برای کوردستان مانا و پایدار باشید

مصطفی هجری

مسئول مرکز اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران
۴ فروردین ۱۴۰۳

حکمرانی شادی،
در عصر استبداد دینی

بهار حسینی

۸

گفتگو با مادح احمدی درباره برگزاری
مراسم نوروزی در کوردستان

مصاحبه: شهرام سبحانی

۶

سکولاریسم، تاریخ، چالش‌ها،
پیشرفت و مدرنیته

فواد محمودی

۵

خوانشی بر جشن نوروزی
پیشمرگ‌وار در کوردستان

شاهرخ حسن زاده

۴

آسوده بخواب، جناب پیشوا!
کوردستان بیدار است

رضا دانشجو

۳

مرکز امور اجتماعی حزب: خون به ناحق ریخته شده شهدای کوهستان و خیابان مایه آزادی خلق خواهد شد

خانواده‌ی سرفراز شهدا!

همسنگران مقاوم شهدا!

مردم قهرمان، زنان شجاع و همیشه در

میدان کوردستان ایران!

حامیان محکم و استوار و وفادار جنبش

آزادیخواهانه کوردستان!

روز دهم فروردین روز شهدای کوردستان است. روز اعدام قاضی محمد و یارانش از سوی رژیم خودکامه پهلوی و روز گرامیداشت یاد و خاطره هزاران شهید این آب و خاک و سرزمین است که خونشان در دفاع از موجودیت و هویت ملتشان از سوی جمهوری اسلامی و کوردستیزان در خاک و خیابان‌های مقدس کوردستان بر زمین ریخته شد. به همین دلیل در این روز هم باید در مقابل روان پاک همه شهدای جمهوری کوردستان، کوردستان و به ویژه شهدای انقلاب ژینا، زن، زندگی، آزادی و خانواده نستوه و سرفراز این شهدا سر تعظیم و کرنش فرود آوریم و ضمن حضور بر سر مزار مقدس شهدا با خانواده‌ی سرفراز آنها دیدار کرده و با آنان تجدید عهد نماییم که تا تحقق آرمانها و آرزوهای تحقق نیافته تمامی شهدا و در صف اول کاروان شهدا، قاضی محمد، دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی، از تلاش و مبارزه باز نایستیم. همچنین به آنها یادآور شویم که تا به قلب مادران و پدران داغ‌دیده و خواهران سیاه پوش آرامش نبخشیم، مقاومت و مبارزه ادامه دارد و اجازه نخواهیم داد مشعلی که با بهایی گزاف، یعنی با خون شهدا و بویژه شهدای خیزش زن، زندگی، آزادی شعله‌ور شده خاموش گردد و آن را پر فروغ به سر مقصد پیروزی برسانیم.

خانواده‌ی سرفراز شهدا!

قافله سالار شهدا، زنده‌یاد قاضی محمد در طول تأسیس جمهوری دستاوردهای ارزشمندی را برای خلق کورد به ارمغان آورد. متأسفانه عمر جمهوری بسیار کوتاه بود و کورد نتوانست در سایه‌ی این دستاوردها به آرامش برسد. بخشی از این دستاوردها عبارت بودند از: به رسمیت شناختن زبان کوردی و بکارگیری آن در مدارس و ادارات کوردستان، تشکیل سپاه ملی کوردستان، اعزام دانشجو به کشورهای خارجی، اهمیت دادن به زنان و سهمیم کردن آنان در امور سیاسی و اجتماعی، اهمیت دادن به چاپ و نشر و ابراز عقیده آزادانه و توجه به نویسندگان و شاعران و بسیاری دستاورد دیگر. قاضی محمد قواعد و نرمهای ارزشمندی را در کوردستان مرسوم کرد و در پرتو این نرمهای زیبا، افقی را فراروی خلق کورد قرار داد که باید سرنوشت خود را در دست گیرد و نظیر ملت‌های سعادت‌مند و مستقل جهان دارای زبان و فرهنگ و حاکمیت و کیان و میهن خود باشد.

اما رژیم‌های خودکامه و دشمنان داخلی و خارجی چشم دیدن دستاوردهای جمهوری کوردستان را نداشتند، به همین دلیل محمدرشاه فرمان بازداشت و اعدام قاضی محمد و یارانش را صادر کرد و



(پیام به مناسبت ۱۰ فروردین، روز شهدای کوردستان)

مبارزه باز نایستند و روند مبارزه و مقابله در خیابانهای کوردستان را ادامه دهند. به خانواده شهدای جنبش و بویژه شهدای مبارزات خیابانی و تمامی زندانیان سیاسی وعده‌ی بقاء و ایستادگی می‌دهند، با روان پاک قاضی محمد و یارانش که شجاعانه و جوانمردانه به پای جوخه‌های اعدام رفتند و کلیه‌ی شهدای جنبش آزادیخواهانه و جوانان محبوس در سیاهچاله‌ها و جوانان در خون غلتیده‌ی خیابانها تجدید پیمان نموده و وفادارانه و حقشناسانه به راه آنها ادامه می‌دهیم. در روز ۱۰ فروردین روز شهدای کوردستان به روان پاک تمامی شهدای کوهستان و خیابان درود می‌فرستیم و در مقابل روان پاک شهسواران به خون غلتیده و خانواده سرفراز شهدا سر تعظیم و احترام فرود می‌آوریم و به آنان یادآور می‌شویم که تا رویاهای فرزندانمان را تحقق نبخشیم از پای نخواهیم ایستاد و راهشان را تا پیروزی ادامه خواهیم داد.

درود بروان پاک سرور شهید، زنده‌یاد قاضی محمد و یارانش!

سلام بر تمامی شهدای شهر و کوهستان! درود بر خلقهای آزادیخواه و مردم ناراضی و شجاع حاضر در خیابانها! درود بر خانواده‌ی سرفراز شهدا و زندانیان سیاسی!

حزب دمکرات کوردستان ایران

مرکز امور اجتماعی

۱۰ فروردین ۱۴۰۳ خورشیدی

اعتراضات، همواره به سرکوب و اعدام مردم ادامه می‌دهد. این رفتار ضدبشری رژیم نه تنها نتوانسته مردم را به تسلیم وادارد، بلکه زنان و جوانان برومند و مقاوم کوردستان را پیگیرتر و متحدتر ساخته است. همچنانکه در استقبال و تجلیل از چهارشنبه‌سوری و نوروز پیروز ۲۷۲۴ کوردی با لباس آراسته کوردی و جامانه و شال ابریشمی و رقص و پایکوبی، شکوه مردم ما را در خیابانهای شهرها و روستاهای کوردستان مشاهده کردند که چگونه یکبار دیگر با فر و شکوه خود حاکمان ایران را به وحشت انداختند و ثابت کردند که تا رسیدن به پیروزی و تحقق آرمانها و آرزوهای شهدای بخون خفته خیابانها، زن، زندگی، آزادی و تمامی شهدای خلق عرصه را خالی نخواهند کرد و خیابانها را همچنان آباد نگه خواهند داشت و تا سرنگونی نهایی رژیم به تلاش خویش ادامه خواهند داد.

مردم آزادیخواه و میهن‌پرست و مقاوم کوردستان!

خلقهای متحد و بپاخاسته ایران!

خلقهای بجان آمده ایران با اراده و تلاش و مبارزه خویش اتوریته و حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی را در سطح بین‌المللی و داخلی درهم شکسته و مشروعیت آن را زیر سؤال برده و آنرا تا مرز سقوط کشانده‌اند. خلقهای ایران تصمیم گرفته‌اند تا رویاهای زیبای کلیه‌ی شهدا و منجمله انقلاب ژینا را تحقق نبخشند از تلاش و

احساس مسئولیت خیابانها را تسخیر کردند و خشم فروخته ناشی از ۴۵ سال فلاکت و سیه‌روزی را بر سر رژیم خالی کرده و رژیم جمهوری اسلامی را بیش از حد نگران و سردرگم ساخت. رژیم با کمک اعوان و انصار خویش به شیوهای لجام‌گسیخته و انسان ستیزانه به جوانان خشمگین و ناراضی یورش برد و هرگونه که توانستند صفوف متحد مردم را هدف گلوله قرار داد و پیکر زنان و مردان حق‌طلب را بر زمین انداخت. شمار کثیری از فرزندان خلق کورد و دیگر خلقهای ایران بویژه خلق بلوچ شهید و یا مجروح شدند و سپس به شیوهای ددمنشان به جان مردم افتادند و شمار بسیاری از پسران و دختران بازداشت و به زندان افکنده شده و تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفتند و بخشی از آنها اعدام شده و بخش بیشترشان هم متحمل حبس‌های طولانی مدت گشتند. حال که یک سال و نیم از قیام جدید خلقهای ایران می‌گذرد، جمهوری اسلامی نه تنها نزد افکار عمومی بین‌المللی و کشورها منفور گشته، بلکه بطور دائم و به شیوهای جدی تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی و سیاسی قرار گرفته است. زنان، سیاستمداران، هنرمندان، نویسندگان و شخصیت‌های بین‌المللی به شیوهای گوناگون بدلیل نقض گسترده‌ی حقوق بشر و موازین اخلاقی و بویژه اعدام بی‌شمار جوانان، علیه جمهوری اسلامی به اعتراض شدید برخاسته‌اند. دست اندرکاران جمهوری اسلامی بدون توجه به این

پس از یک محاکمه‌ی نمایشی، در روز ۱۰ فروردین ۱۳۲۶ خورشیدی در میدان "چوارچرا"ی شهر مه‌یاد اعدام شدند. به تصور شاه با اعدام یک رهبر می‌توان یک ملت را از ریشه نابود کرده و مسأله و حق‌طلبی این ملت در کوردستان را به سکوت وادار کرد. اما نمی‌دانست ملت هرگز نخواهد مرد و ریشه آن با خون شهدا دوباره احیا خواهد شد. کورد بر اثر این فاجعه ناجوانمردانه به زانو در نخواهد آمد و همواره بر سر پا بوده و خواهد بود و راه و مشی بزرگمردانی چون قاضی‌ها و دیگر رهبران کورد را ادامه خواهد داد.

مردم مبارز و همیشه در میدان کوردستان!

زنان و جوانان هوشیار و آزادیخواه! در حالی یاد و خاطره شهدای سرفراز و گلگون کفن کوردستان را گرامی می‌داریم که یک بیزاری عمومی سراسری و بین‌المللی علیه رژیم جنایتکار و سرکوبگر جمهوری اسلامی وجود دارد و پرستیژ و اعتبار رژیم در داخل و خارج از کشور بیش از هر زمانی به زیر سؤال رفته است. در دو سال گذشته جرعه قیام با به قتل رساندن ژینا امینی، دختر کورد سقری توسط گشت ارشاد تهران، زده شد و آتش آن در کوردستان شعله‌ورتر شد و پس از چند روز شعله‌های این آتش سراسر کوردستان و ایران را فرا گرفت. نسل جدید شجاعانه و هوشیارانه و با

آسوده بخواب، جناب پیشوا! کوردستان بیدار است



رضا دانشجو

شده است. درختی که ریشه هایش به پهنای جغرافیای دربند کوردستان از آگری تا دالاهو گسترده است. درختی که با خون پاک هزاران شهید کوردستان آبیاری شده است. کسانی که سالهاست در فکر قطع این درخت تنومند هستند، اکنون بیش از هر زمان دیگری دریافته اند که قطع کردن این درخت تنومند با این ریشه های گسترده کار آنها نیست. در سایه حرکت بزرگی که پیشوا آغاز کرد نه تنها نهال آزادی کوردستان به درخت تنومندی تبدیل شد، بلکه به برکت تعالیم او اکنون باغبانانی صبور و دلسوز در همه جای کوردستان حضور دارند که با باوری عمیق و ایمانی راسخ آماده هرگونه جانفشانی در مسیر رسیدن به آزادی هستند. شجاعت و خودباوری در جغرافیای کوردستان به طرز باورنکردنی تکثیر شده است، اکنون پدران و مادران کوردستان، شاگردان مکتب پیشوا، میدانداران نوروز و رهبران پیشرو حرکت آزادی بخش مردم شرق هستند.

در سالگرد آسمانی شدن پیشوای دلها، مردم به دیدار لاله های آرمیده در خاک می روند و با پیشکش کردن شاخه ای گل با آرمانهایشان تجدید میثاق می کنند. آسوده بخواب، جناب پیشوا! پس از رفتنت، مردم سرزمینت لحظه ای به راستی و درستی مسیر انتخاب شده تو شک نکرده و ادامه دهنده آرمان هایت بودند. نگران سرانجام جمهوری نباش، جناب پیشوا! جمهوری کوردستان هنوز زنده است، زنده تر از همیشه در دل میلیون ها کورد در سراسر این جغرافیای دربند در حال تپیدن است. شکوفاتر و پررونق تر از همیشه! زنان کورد مشعل داران نهضت آزادی شرق شده اند رویاهایتان در حال تعبیر شدن است اکنون زنان کورد الهام بخش هستند و نوید آزادی می دهند.

آسوده بخواب، جناب پیشوا! کوردستان در مسیر تعالیم شما حرکت می کند کوردستان بیدار است.

برای آمدنش لحظه شماری نمی کند. کوردها سال هاست که منتظر یک رویداد مهم در نوروز هستند. آنها انتظار نوروز رهایی را می کشند نوروز بدون اشغالگر کوردستان سرزمین شور و ترانه است و جوانان کورد با فرا رسیدن نوروز دست در دست هم در سراسر این جغرافیای دربند سرود رهایی می خوانند. برای کوردها هر لپرکی داستان متفاوتی دارد، چیزی فراتر از یک رقص است یک نماد و نشانه است. می توان کتابی در چند صد صفحه درباره چرایی و چرایی حرکاتش نوشت. نوروز و هر لپرکی شناسنامه کورد و کوردستان هستند. هر جا که نوروز گرمی داشته می شود هر جا که هر لپرکی هست کوردها آنجا حضور دارند یا زمانی آنجا زیسته اند.

نهالی که پیشوای فقید نزدیک به هشتاد سال پیش با ایمان و باور به آرمان هایش و اطمینان از آینده و رهایی مردم کورد کاشت، اکنون به درختی تنومند تبدیل شده است. درختی که ریشه هایش به پهنای جغرافیای دربند کوردستان از آگری تا دالاهو گسترده است. درختی که با خون پاک هزاران شهید کوردستان آبیاری شده است.

با تمامی این اوصاف باید گفت، نوروز امسال بسیار متفاوت است، گویی روح تازه ای در کالبدش دمیده شده است. همه چیز بوی تازگی می دهد. این بار دستمالی چوبی در دست خانواده های سرافراز شهیداست همه باید حرکت های خود را با آنها هماهنگ کنند. مشعل اکنون در دست کسانی است که بهتر از همه راه را می شناسند و از پرتگاهها باخبرند. آنها می دانند برای عبور از تاریکی و رسیدن به روشنایی چه باید کرد. این حجم از اراده و باور حیرت انگیز است! داغ در دل، اما صبور و استوار در مسیر رسیدن به مقصود و هدف.

از بهار تا بهار
نهالی که پیشوای فقید نزدیک به هشتاد سال پیش با ایمان و باور به آرمان هایش و اطمینان از آینده و رهایی مردم کورد کاشت، اکنون به درختی تنومند تبدیل

دل هر انسان آزاده ای را به درد می آورد، صبورتر از همیشه، با عزمی راسخ می گوید او اسم فرزندش را به احترام روز تولدش ۲۵ مردادماه، سالگرد تاسیس حزب دمکرات، کومار گذاشته است تا ادامه دهنده راه جمهوری کوردستان باشد. حیرت انگیز است! نزدیک هشتاد سال بعد از اعلام جمهوری کوردستان و اعدام پیشوا، حالا پدری بزرگترین سرمایه زندگی اش، فرزند رشیدش را فدایی راه پیشوا می داند و امانتی که باید به صاحبش می رسید! پدر شهید فریدون احمدی در سقز بدون اینکه از کسی گلایه کند خودش در حال حفر قبر پسر دلبندهش است. او به جای گریه و زاری از لزوم اتحاد و ادامه مبارزه سخن می گوید از اینکه همه مردم باید

کمک کنند تا این ناراستی و کهنگی باقی نماند، او توصیه می کند جوانان را تنها نگذاریم همراهی شان کنیم باید در کنار جوانان بود باید این مسیر به انتها برسد! شهید شهیار محمدی در کنار جسد بی جان شهید محمد حسن زاده نشسته است او بی قرار رفیق شهیدش، تنها راه و گزینه ممکن را ادامه مبارزه و مقاومت می داند. شهیار رفیقش را هرگز تنها نگذاشته و نخواهد گذشت. او یقین دارد برای رسیدن به آزادی باید بهایش را داد رسیدن به آزادی بدون مقاومت و شهادت امکان پذیر نیست.

روایت سوم
نوروز و کوردستان دوستان همیشگی هستند. نوروز عاشق کوردستان است و کوردها عاشق نوروز، هیچکس مثل کوردها حرمت نوروز را نگه نمی دارد و

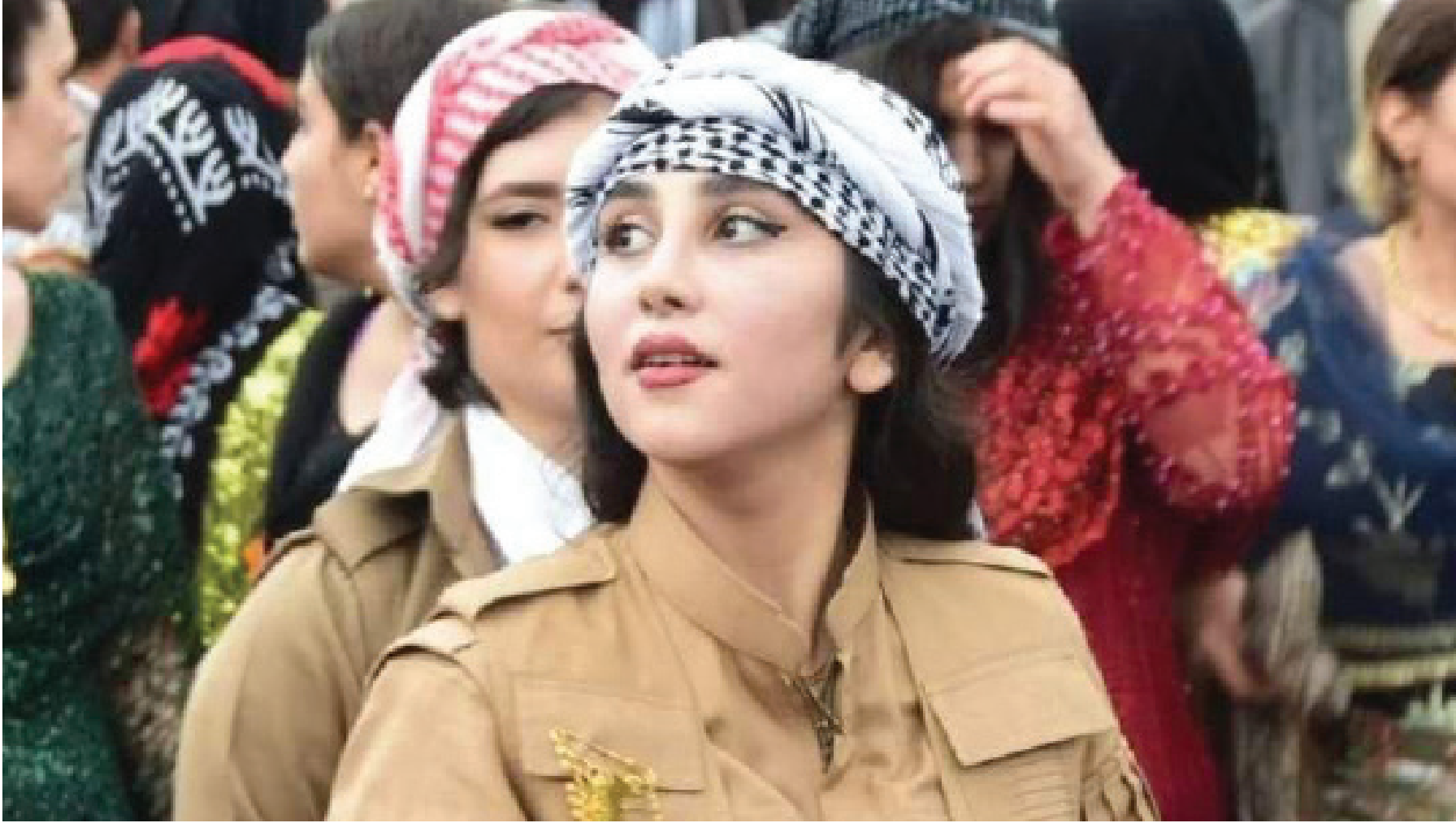
فرزندانش به پدر اعتراض می کرد که بعد از تو تکلیف این بچه های معصوم چه می شود؟ پیشوا جواب می داد: انتظار نداشته باش به خاطر بچه هایم، به مردمم پشت کنم! باغبان صبوری که بدون ترس از آفت و سرما و یخبندان، معتقد به کارش، منتظر به بارنشستن نهالی که خود کاشته است. رمز ماندگاری پیشوا همین باور و اعتقاد به خود و آرمان هایش بود. رفتن معنی اش بی اعتنایی به باور هایش بود. بی شک اگر پیشوا در کوردستان نمانده بود و پناهنده می شد نه نامی از او در میان کوردها می ماند و نه چیزی از ناسیونالیسم کوردی. پیشوا یک نقطه عطف تاریخی در مسیر ملی گرایی در کوردستان ایجاد کرد. تاسیس حزب و عبور از موانع دست و پاگیر

عشیره گرایی، تاسیس روزنامه و اتحادیه زنان گامی بلند در جهت نوسازی تفکرات رایج در کوردستان بود. نکته جالب در مورد پیشوا، احترام او به باورهای اعتقادی مردم در کنار جدایی دین از سیاست بود که باعث شد بر خلاف ادعاهای واهی فاشیسم فارسی، کوچکترین شباهتی به یک جمهوری کمونیستی نداشته باشد. روزی که پیشوا را در چهارچراغ دار زدند به تنها چیزی که فکر نمی کرد خودش بود! پیشوا آرام بود چون مردمش در امان بودند و مطمئن بود هیچ چیز به عقب بر نمی گردد و این مسیر رهایی بخش که او آغاز کرده بود به سر منزل مقصود خواهد رسید فقط باید صبور بود.

روایت دوم
پدر شهید کومار درافتاده از شهیدان انقلاب ژینا در حالیکه داغ فرزند شهیدش

روایت اول
پیشوا در نامحکمه پهلوی در حال بیان واقعات انکارناپذیر جمهوری است. او برای تاریخ سخن می گوید نه برای دادگاه! برای کسی که آگاهانه به پیشواز مرگ رفته است تلاش برای زنده ماندن بی معنی است. پیشوا بهتر از هر کسی دیگری می دانست حکم اعدام او همان روز که در چهارچراغ جمهوری کوردستان را اعلام کرد صادر شده بود. ماندن پیشوا و تسلیم شدن، تلاش برای نجات زندگی اش نبود، تلاش برای جلوگیری از قتل عام مردمش و زنده ماندن نهال ناسیونالیسم کوردی بود که خود ایشان کاشته بود. نهالی که عمری کمتر از یک سال داشت و هجوم باد و باران می توانست پایان عمرش باشد. می گویند قشون دولتی هنوز دروازه تهران را به قصد سرکوب جمهوری آذربایجان ترک نکرده بودند که جعفر پیشه وری به شوروی پناهنده شد! وقتی نزدیکان پیشوا از او خواستند که او نیز به دامان اجنبی پناه ببرد، او با عصبانیت پاسخ داد: "هرگز می خواهد جانم را بردارد و برود، او هرگز مردمش را تنها نخواهد گذاشت." پیشوا انتخابش ماندن بود. این مسیر پیشوا بود رویاهای او با تاسیس جمهوری کوردستان تازه آغاز شده بود پیشوا اهداف بسیار بزرگتری داشت او از همان آغاز می دانست که به چه سرنوشتی ممکن است دچار شود. دختر پیشوا تعریف می کند: "گاهی اوقات مادرم نگران از آینده خود و

خوانشی بر جشن نوروزی پیشمرگوار در کوردستان



شاهرخ حسن زاده

جدای از میهن، زبان، تاریخ و جغرافیا، یکی دیگر از ستون‌های اصلی ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم؛ فرهنگ می‌باشد که عبارت است از، یک مفهوم گسترده شامل باورها، ارزش‌ها، رفتارهایی که مطابق ارزش‌های اجتماعی و هنج‌های موجود در جوامع بشری مطرح شده‌است. فرهنگ همچنین شامل مجموعه‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، آداب و رسوم اجتماعی، نوع پوشش و اخلاق، رفتار و عادت‌های افراد در یک گروه یا در یک جامعه می‌باشد. برای نمونه سنت و مراسمات جشن نوروزی یا نمادهایی مانند آتش، "هله‌پهرین" (پایکوبی) از دیرباز در میان ملت کورد وجود داشته است. منتقد سرشناس آلمانی "یوهان هردر" بر این باور است که، انسان (کهن) با رموز و نشانه‌ها زندگی کرده است، البته نه به‌صورت خیالی یا ادبی بلکه به مانند واقعیتی انکارناپذیر. به نوعی دیگر سمبل و نشانه‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ مردمان باستانی بوده است که آن را محترم شمرده و از آن پاسداری کرده‌اند. یا برای نمونه "بیت" و یا "حیران" (نوعی نظم حماسی در ادبیات کوردی) که به‌صورت سینه به سینه به نسل ما منتقل شده و به عنوان بخشی از میراث ادبیات شفاهی ما تبدیل شده که با نشانه‌ها و رموز فرهنگی غنی شده است. این نشانه‌ها، غنای ملی و فرهنگی به تصویر می‌کشند.

هم به لحاظ تاریخی و هم از منظر جغرافیای طبیعی، کوردستان در منطقه‌ای مهم تاریخی-جغرافیایی قرار گرفته که به مهد تمدن شناخته شده است. در این مورد مطالب بسیار گفته شده است ولی هدف در اینجا بحث پیرامون برگزاری جشن‌های نوروزی سال جاری می‌باشد (هم اکنون نیز در جریان می‌باشد) که بسیار متفاوت، وسیع و باطراوت‌تر از تمامی سال‌های گذشته از سوی ملت کورد در شهر و روستاهای مختلف برگزار شد و می‌توان آن را در نظام نشانه‌شناسی و سه حرکت سمبلیک به صورت خلاصه مورد بررسی قرار داد.

"نشانه شناسی" (Semiotics) علمی است که هدف خود را شناخت و تحلیل نشانه‌ها و نمادها چه آنها که به صورت زبان گفتاری یا نوشتاری در آمده‌اند و چه آنهایی که صورت‌های غیر زبانی دارند، اعم از نشانه‌های فیزیولوژیک، بیولوژیک، نظام‌های معنایی، نظام‌های ارزشی و حتی همه‌ی اشکال حرکتی، حالتی، موقعیتی خودآگاه یا ناخودآگاه، تاکتیکی، استراتژیک، فکر شده یا نشده و ... اعلام می‌کند. به طور کلی هدف و مقصود نشانه شناسی، مطالعه نظام‌های نشانه‌ای مانند زبان‌ها، رمزها، نمادها، نشانه‌های علامتی و

مواردی از این دست است. نشانه شناسی یکی از بهترین روش‌های کارآمدی است که با ایجاد معنی و یا به تعبیر رولان بارت با "فرایند معنی دار شدن" سر و کار دارد. اولین کسی که از نشانه‌ها حرف زد "فردینان دو سوسور" (1857 - 1913) بود. سوسور معتقد بود نشانه شناسی دانشی است که به مطالعه نشانه‌ها به عنوان بخشی از زندگی اجتماعی می‌پردازد. وی نشانه را ترکیبی از "دال" و "مدلول" می‌دانست. دال را سوسور تصور آوایی و مدلول را تصور ذهنی در نظر می‌گرفت. سوسور معتقد است که دال و مدلول جدایی‌ناپذیرند و نشانه را الزامی می‌داند؛ یعنی رابطه دال و مدلول رابطه‌ی لازم و ملزوم است. این زبان‌شناس سوئیسی معتقد است نشانه‌ها در اصل به یکدیگر ارجاع می‌دهند و نشانه کلی است که از اتصال دال و مدلول است و، به دلالت اشاره دارد. دال (signifier) تصویر صوتی (دلالت‌کننده و نشانه‌گر)، مدلول (signified) مفهومی (دلالت‌شونده و نشانه‌دار) که دال به آن دلالت (signification) می‌کند، است.

برای نمونه نوع پوشش و یا لباس که می‌توان آن را نیز مانند زبان که سوژه اصلی مورد نظر تئوری سوسور بود تحلیل کرد. در لباس هیچ نوع کلمه‌ای وجود ندارد ولی خوانش و تحلیل مخصوص به خود دارد مثلاً پوشاک و لباس ملی عرب، بلوچ یا کورد یا حتی در بین زنان نیز این نوع پوشش‌ها متفاوت است که هرکدام از این موارد را میتوان مورد خوانش مجزا قرار داد. در میان ملل مختلف در مورد پوشش نیز به مثابه زبان نوعی قواعد و دستور زبان وجود دارد که متفاوت از همدیگر است. در مورد لباس که در اینجا نقش "دال" را بازی میکند، پیامی ارسال می‌شود که این پیام حکم "مدلول" را بازی میکند. مثلاً چارقد یا ردا یک پیام مخصوص به خود را دارد یا در فرهنگ کوردی "جامانه" (آقبانو) یا "که‌واپاتول" (لباس ملی کورد) پیام خاص خود را دارد، حتی نوع و رنگ "که‌واپاتول" پیام به‌خصوصی دارد همچنان‌که، کت و شلوار مردانه یا دامن و سرافون زنانه هرکدام پیامی درخود نهفته دارد. در

مراسمات جشن نوروزی امسال "که‌واپاتول" خاکی رنگ با بستن "جامانه" و ساق پیچ به عنوان یک پارچه، دال و پیام آن (مدلول) که در فرهنگ کوردی لباس رزم پیشمرگ است وجود دارد و می‌توان آن را تحلیل نشانه‌شناسانه کرد.

لباس زنان و مردان (دختران و پسران) کورد در جریان جشن‌های نوروزی یکی از نمادهای نشانه‌شناسانه و امری سمبلیک-سیاسی بود. از ماکو تا ایلام به‌صورت کلی لباس زنان و مردان در جریان هله‌پهری و پایکوبی شامل آن نوع از لباس و پوشش خاص "پیشمرگ" (به‌ویژه پیشمرگ‌های حزب دمکرات کوردستان ایران) بود (که‌واپاتول، جامانه آقبانو، شده‌شال، دستمال زنانه)، هه‌وری (نوعی پارچه)، ساق‌بند، سرشان، فانوسقه، پشت‌بند (پشتوین) مخصوص و حتی نوع کفش انتخابی مخصوص) که با نگاهی اجمالی می‌بینیم که هم اکنون نیز دختران و پسران پیشمرگ حزب دمکرات با این نوع پوشش فعالیت می‌کنند و لباس مخصوص زنان و مردان این نیروی رهایی بخش ملت کورد می‌باشد.

توجه به لباس را باید شیوه‌ای از فهم بدانیم، چون به‌رغم همه قاعده‌پردازی‌های انتزاعی و رفیع درباره خودبودگی و روح، زندگی درونی و باطنی ما همچنان چیزی پوشیده است. هرگز نمی‌توان ادعا کرد که شیوه‌های لباس پوشیدن ما هیچ ربطی به انگیزه‌های ما ندارند، همان انگیزه‌هایی که ما را به دوست‌داشتن و دوست‌داشته‌شدن می‌کشاند. جامه‌هایی که به تن می‌کنیم رازهای ما را با خود حمل می‌کنند و در هر موقعیتی آن‌ها را بر ملا می‌سازند؛ آن‌ها چیزی بیش از آنچه بدانیم یا بخواهیم را فاش می‌کنند.

یکی دیگر از نشانه‌های مراسمات نوروزی که آن نیز به عنوان سمبل و نماد به‌صورت آگاهانه صورت پذیرفت، روشن کردن آتش نوروزی توسط خانواده شهدا و جانب‌آختگان جنبش سیاسی کوردستان و همچنین جنبش ژن ژیان‌نازادی بود. مادران و پدران، خواهران و برادران شهدای کوردستان از سوی مردم برای روشن کردن آتش نوروزی انتخاب شده بودند

و حتی دستمال سه رنگ سرخ، سفید و سبز رنگ (رنگ‌های پرچم کوردستان) "سرچوبی" پایکوبی را نیز با افتخار در آسمان می‌گرداندند. این حرکت در فرهنگ عامه کورد و به لحاظ نشانه‌شناسی جایگاهی بسی رفیع و شامخ دارد.

مورد سوم فرهنگ و نماد این مراسمات که باید به آن اشاره کرد این بود که، روز دهم فروردین ماه که به روز شهدای کوردستان شناخته شده است، هرساله از سوی جنبش سیاسی کوردستان برای گرامی‌داشت این روز و خانواده‌های شهدا مراسماتی برگزار می‌شود. در دهم فروردین سال ۱۳۲۷ "قاضی محمد" اولین رئیس جمهوری کوردستان توسط رژیم شاهنشاهی در میدان "چوارچرا" شهر مه‌آباد پایتخت جمهوری کوردستان طی دادگاهی ناعادلانه همراه با دوتن از رفقای اعدام شد. در اوج شادی و پایکوبی و مراسمات مختلف نوروزی، جامعه فرزانه کوردستان برای ادای احترام به مقام فرازمند شهدا در این روز تمامی مراسمات مردمی اعم از شادی و پایکوبی در کوردستان ایران را متوقف کردند. عملی کاملاً ملی و مورد پسند جامعه کوردستان که طی آن بخش اعظم جامعه کوردی بدون گریه و زاری به دیدار خانواده‌های شهدای کوردستان که جان خود را برای آزادی و دمکراسی فدا کرده‌اند، رفته و یا با حضور در آرامستان‌ها یاد و خاطره جان‌باختگان را گرامی داشتند. این حرکت کاملاً آگاهانه، شادی و سنت مراسمات نوروزی را همراه با ارزش‌های ملی و آزادیخواهانه را تلاقی داده و پیامی دیگر به مرکز، ملت‌های مختلف ایران و جهان مخابره کرد که رژیم را چنان برآشفته کرد از تمامی امکانات و راه‌های گوناگون سعی در گسستن این اتحاد بی نظیر و انجام فعالیت‌ها کرد.

تمامی این فعالیت‌ها و نشانه‌ها این موضوع را روشن می‌کند که، کوردها جدای از اینکه بار دیگر به‌صورت مسالمت آمیز پیام خود را ارسال کردند، این بار سراسر کوردستان با لباس رزم و با پیشاهنگی خانواده شهدا متحدانه به میدان آمده و جشن نوروز را به بهانه‌ای برای حمایت از "پیشمرگ" به عنوان نماد مبارزاتی ملی

کوردستان تبدیل کرده‌اند و در مقابل تمامی فشار و تهدیدها، موشک‌باران، حملات هوایی، ترور، بازداشت، شکنجه و اعدام فعالین سیاسی و فرهنگی همچنان رهرو احزاب خود بوده و راه آن‌ها را برای آزادی و مطالبات حقه ادامه خواهند داد.

به تصویر کشیدن لباس و پوشش زنان و مردان در مراسمات نوروزی با این نوع خاص چیزی نیست جز دلدادگی و شیفتگی به زنان و مردانی که دهه‌هاست زندگی خود را وقف آزادی، رهایی و حقوق ملت خویش کرده‌اند و همه آن‌ها را با نام پیشمرگ می‌شناسیم که این نیز محصول چندین دهه مبارزه، سازماندهی و جانفشانی‌های احزاب کوردی مخصوصاً حزب دمکرات می‌باشد که توانسته است به لحاظ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و گفتمان ملی‌گرایی جامعه را تحت تاثیر منطق فکری و اصول مبارزاتی خود قرار دهد و سطح آگاهی و شعور سیاسی جامعه را افزون بخشد و حال نه تنها گفتمان ملی دمکراتیک حزب دمکرات به یک اصل و فرهنگ تبدیل شده بلکه جامعه خود در داخل این حلقه، روشهایی نوین مدنی همسو با این گفتمان خلق کرده و بر این خط فکری پایبند و معتقد است. همچنین باید به این نکته نیز اشاره کرد که، طی هشت دهه گذشته هر دو رژیم پهلوی و اسلامی با صرف هزینه و بودجه‌های کلان و تمام امکانات مالی، سیاسی، رسانه‌ایی، نظامی، آموزش و پرورش، دانشگاه، صداوسیما تلاش کردند جنبش ملی دمکراتیک کوردستان به رهبری حزب دمکرات کوردستان و میراث سیاسی، اجتماعی این جنبش مدرن و حق طلب را به بیراهه کشانده و یا جامعه کوردی را آسمیله و از اصل و اصالت خویش جدا کنند، واقعیتی که ثابت شد آنها هرگز به مرام خود دست پیدا نخواهند کرد.

همراهی و موازی بودن با این حرکت‌ها و فعالیت‌های مدنی که در نوع خود حیرت‌انگیز و فوق‌العاده می‌باشد (جامعه‌ای تا این حد سازمان‌دهی شده، منظم و متحد و یکپارچه با خواست و مطالبات ناسیونالیستی) که حاصل مبارزات پیشمرگ‌های یک حزب دمکرات، متعهد، دلسوز و مردمی می‌باشد به عنوان امری جوهری ارتباط بین جامعه و پیشمرگ به حساب می‌آید و پشتیبانی، اعتماد و امید به جامعه‌ی این چنین سرزنده و آماده با خواسته‌های ملی، آینده‌ای روشن به ارمغان می‌آورد.

"سکولاریسم: تاریخ، چالش‌ها، و پیشرفت در مدرنیته"



فواد محمودی

مقدمه:

1. درک سکولاریسم و تکامل آن
2. زمینه تاریخی سکولاریسم
3. خطرات نادیده گرفتن زمینه های فرهنگی و تاریخی
4. سکولاریسم و تأثیر بر ارتباط و همدلی انسانی
5. سکولاریسم و ظهور جزم گرایی
6. مقایسه با جنبش های مذهبی افراطی
7. سکولاریسم و آزادی مذهبی
8. حفاظت از آزادی عقیده و بیان
9. پرورش دانش در جوامع سکولار
10. چهره انسانی سکولاریسم: رویکردی متعادل
11. ایجاد پل بین جوامع سکولار و مذهبی
12. سکولاریسم و اخلاق: یک رابطه همزیستی
13. پذیرش محدودیت ها و پیچیدگی ها
14. پیشرفت در حقوق بشر و برابری
15. انتقادهای رایج علیه سکولاریسم
16. ایجاد تعادل سکولاریسم در دنیای مدرن (نمونه های تاریخی و معاصر)

نتیجه گیری: پذیرش سکولاریسم آگاه و دلسوز

مقدمه: خطرات سکولاریسم بدون دانش

در دنیایی که از جدایی دین و دولت حمایت می شود، مفهوم سکولاریسم اغلب به اشتباه درک می شود و به اشتباه به کار می رود. این مقاله به بررسی تفاوت های ظریف «سکولاریسم بدون معرفت» یا سکولاریسم بدون دانش می پردازد و به بررسی دام های بالقوه آن و اهمیت پرورش تفاهم در جوامع سکولار می پردازد.

1. درک سکولاریسم و تکامل آن

تعریف سکولاریسم:

سکولاریسم در هسته خود بر جدایی نهادهای مذهبی از امور حکومتی تأکید دارد. هدف آن ایجاد جامعه ای است که در آن افراد آزاد باشند تا عقاید خود را بدون دخالت دولت عملی کنند. در بررسی پیچیدگی های سکولاریسم در ایران و کوردستان به مفهومی پرداخته می شود که گسترش جهان را به شکل گسترده ای تحت تأثیر قرار داده است. سکولاریسم یک مفهوم فلسفی و اجتماعی است که از تفکرات مذهبی و دینی جدا می شود و اصول غیردینی را به عنوان مبنای تصمیم گیری های اجتماعی و سیاسی می پذیرد. در نظام سکولار، دین

از حوزه های دولتی و سیاست جدا می شود و تصمیم گیری ها بر اساس قوانینی استوار بر اصول دموکراتیک، علمی و حقوق بشر انجام می شود.

این مفهوم نه تنها به جدا کردن دین از دولت بلکه به احترام به آزادیهای فردی، تفکرات متنوع، و عدالت اجتماعی نیز می پردازد. سکولاریسم به عنوان یک اصل اساسی در جوامع مدرن و دموکراتیک مطرح می شود و درک آن به نقش مهمی در تداول فرهنگی و ساختارهای اجتماعی دارد.

2. زمینه تاریخی سکولاریسم:

ردیابی ریشه های سکولاریسم، تکامل آن را در طول زمان، تحت تأثیر تغییرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آشکار می کند. درک این زمینه تاریخی برای درک ماهیت سکولاریسم بسیار مهم است. تاریخ درک سکولاریسم در ایران به دوره های مختلف تاریخی باز می گردد. ابتدا باید به نخستین تجربیات تأثیرگذار سکولاریسم در ایران اشاره کرد.

در قرن نوزدهم، با آغاز تعاملات با اروپا و ورود ایده ها و اصول نوین، مفهوم سکولاریسم در جامعه ایران به وجود آمد. پس از انقلاب مشروطیت و تشکیل دولت مشروطه در اواخر قرن نوزدهم، مفاهیم سکولاریسم به عنوان بخشی از تلاش های مدرنیزاسیون و تحول در ساختارهای اجتماعی و سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. هرچند که این تجربه تا حد زیادی محدود به حوزه های اداری و قانونی بود، اما ایده ها و اصول سکولاریسم در این دوران در جامعه ایران تداوم یافت.

پس از پایان دوره مشروطه، با تشکیل دولت پهلوی در دهه 1920 و تلاش های شاپور اکتسابی برای تحولات مدرنیزه و سکولاریزاسیون، درک سکولاریسم در ایران به شدت تأثیرپذیر شد.

اما با پیچیده شدن اوضاع سیاسی و اجتماعی، در بعضی مقاطع این درک مورد انتقاد و اختلاف قرار گرفته و تا دوره های بعدی تاریخ ایران، نقدها و تفاوت های زیادی به وجود آمد.

در تاریخ کوردستان ایران، درک سکولاریسم به ویژه پس از انقلاب ملت های ایران در سال 1357، تأثیرگذارتر شد. با پیدایش حوادث سیاسی و اجتماعی، برخی از افراد و گروه ها در کوردستان به تأکید بر اصول سکولاریسم پرداختند به منظور حفظ هویت ملی و فرهنگی خود. تاریخچه درک سکولاریسم در این منطقه با توجه به رویدادهای سیاسی و تحولات جامعه، به تدریج شکل گرفته است. این درک نه تنها به تأثیرات داخلی، بلکه به تبادلات فرهنگی و سیاسی با سایر ناحیه ها و جوامع مجاور نیز وابسته است

3. خطرات نادیده گرفتن زمینه های فرهنگی و تاریخی:

یکی از خطرات عمده، گرایش به نادیده گرفتن زمینه های فرهنگی و تاریخی است که منجر به شکلی منفک از سکولاریسم می شود که ملایه غنی تجربه بشری را نادیده می گیرد. زمینه های فرهنگی و تاریخی نقش مهمی در شکل دهی به هویت و ارزش های یک جامعه دارند. اگر این زمینه ها نادیده گرفته شوند، افراد ممکن است از ریشه ها و مفاهیم فرهنگی و تاریخی جدا شوند. این منجر به ایجاد یک سکولاریسم ناشی از انزوا فرهنگی شده و از میراث تجربه بشری کاسته می شود.

با نادیده گرفتن زمینه های فرهنگی، ارتباط اجتماعی ضعیفتر می شود و جامعه ممکن است در مسیریایی که به فرهنگ و تاریخ آن مرتبط نیستند، هدایت شود. این ممکن است به از دست دادن هویت فردی و جمعی، ارتقاء تفرقه و کاهش همبستگی منتهی شود.

4. سکولاریسم و تأثیر بر ارتباط و همدلی انسانی:

سکولاریسم منفصل می تواند منجر به فقدان همدلی و درک بین افراد با عقاید مختلف شود که مانع از پتانسیل ارتباط انسانی معنادار می شود.

سکولاریسم منفصل می تواند اثرات منفی بر ارتباطات انسانی داشته باشد.

زمانی که افراد به طور کامل از ابعاد فرهنگی و مذهبی چشم پوشی می کنند، احتمال برهم خورد و نداشتن درک از دیگران با عقاید مختلف افزایش می یابد. این ممکن است به کاهش همدلی و ارتباطات معنادار بین افراد باشد.

همچنین، فقدان ارتباط با ارزش های فرهنگی مشترک می تواند به کاهش همبستگی اجتماعی و افزایش احتمال تفرقه منجر شود. درک ناکافی از زمینه های فرهنگی و مذهبی می تواند به عدم احترام به تفاوت ها و به هم پیوستگی مختلفی که این تفاوت ها به همراه دارند، منجر کند.

5. سکولاریسم و ظهور جزم گرایی چگونه سکولاریسم می تواند به جزم گرایی تبدیل شود:

از قضا، سکولاریسم کنترل نشده می تواند به یک ایدئولوژی سفت و سخت تبدیل شود، که منعکس کننده دگماتیسمی است که در جنبش های مذهبی افراطی دیده می شود. سکولاریسم، در صورت کنترل نشده، ممکن است به جزم گرایی تبدیل شود زیرا در این حالت، آنچه ابتدا به عنوان تفکر جداگانه از مذهب و تداخل دین با دولت

شروع شده است، به یک ایدئولوژی سفت و سخت تبدیل می شود. این ممکن است منجر به عدم توجه به حقوق و آزادی های افراد شود و جوانب دیگری از تفکر و زندگی را نادیده بگیرد.

در نتیجه، مانند جنبش های مذهبی افراطی، سکولاریسم نیز می تواند به جزم گرایی منتهی شود که ممکن است باعث سرکوب نظرات مختلف، کاهش تعامل فرهنگی و اجتماعی، و تضعیف ارزش های حقوقی و انسانی شود.

در برخی جوامع گذشته و حال، سکولاریسم نادیده گرفته و به جزم گرایی تبدیل شده است. یک نمونه مشهور این اتفاق در دوران شوروی سابق قرار دارد، که سکولاریسم اولیه باعث جلب قدرت به دستورهای حزب کمونیست شد و از آزادی ادیان و اعتقادات مذهبی کاسته شد.

در خاورمیانه، برخی کشورها تجربه هایی مختلف با سکولاریسم و تأثیرات آن داشته اند. این تجربیات به میزانی متفاوت بوده و نمونه هایی از جزم گرایی نیز وجود داشته اند. برخی از کشورها که در این زمینه تأثیرگذار بوده اند عبارتند از:

1. ترکیه: با ورود به دوران جمهوری، سکولاریسم به عنوان یکی از اصول اساسی تعریف شد. که به مسلمانان آن کشور بیش از حد فشار آورده بود اما در دهه های اخیر، تغییراتی در جهت نادیده گرفتن سکولاریسم در برخی ابعاد دیده شده است.

2. ایران: رویداد کشف حجاب توسط رضا شاه پهلوی، که با نام "کشف حجاب" شناخته می شود، رخ داد. این رویداد بخشی از سیاست های مدرن سازی و تغییرات اجتماعی بود که تحت حکومت شاه در دهه های 1330 و 1340 میلادی انجام شد.

به طور کلی، این رویداد به مجموعه ای از اقدامات تحت عنوان "برنامه اصلاحات اجتماعی" توسط دولت پهلوی اشاره دارد که به هدف مدرن سازی و تحولات اجتماعی در ایران هدفمند بود. از جمله این اقدامات، ممنوعیت حجاب در مکان های عمومی و اداری و تشویق زنان به عدم استفاده از حجاب در فضاهای عمومی بود.

این اقدام را به عنوان یکی از اقدامات سکولاریسم در ایران در نظر گرفت. اقداماتی مانند کشف حجاب و ممنوعیت استفاده از حجاب در مکان های عمومی و اداری، جزء سیاست های مدرن سازی و تغییرات اجتماعی تحت حکومت شاه پهلوی بودند که به نوعی سعی در جدایی دین از دولت و ایجاد جامعه ای سکولار داشتند.

به همین دلیل، این اقدام مورد انتقادات شدیدی از سوی بخش هایی از جامعه ایران، به خصوص از سوی قشر مذهبی و محافظه کار، روبرو شد. این اقدام نه تنها به عنوان یک اقدام سیاسی و اجتماعی مطرح بود، بلکه به عنوان نقض حقوق بشر و آزادی مذهبی نیز مورد انتقاد قرار گرفت. این تصمیم باعث برخورد واکنش های مختلفی در جامعه ایران شد و با نظرات موافق و مخالف مواجه شد. تصمیماتی مانند این نشان از تضادها و اختلافات اجتماعی و فرهنگی در دوران حکومت شاه می باشد که در نهایت به انقلاب و سقوط رژیم پهلوی منجر شد.

پس از انقلاب در سال 1357 دین به عنوان اصلی تعریف شد و در این فرآیند، سکولاریسم به چالش کشیده شده در دوران حاکمیت برخی جریان های سکولار در برخی از کشورها، نادیده گرفتن حقوق فرهنگی و مذهبی افراد، در تبدیل سکولاریسم به یک ایدئولوژی جزم گرا نقش داشته است. این با شکل گیری سیاست های سختگیرانه و سرکوب نظرات مختلف همراه می شود.

6. مقایسه با جنبش های مذهبی افراطی:

بررسی شباهت های بین سکولاریسم افراطی و افراط مذهبی خطرات بالقوه ذاتی هر دو را روشن می کند.

شباهت های بین سکولاریسم افراطی و افراط گرایی مذهبی شامل:

1. سرکوب نظرات: هر دو به سرکوب نظرات مختلف و محدودیت آزادی بیان منجر میشوند.
 2. کاستن از حقوق انسانی: این دو جریان می توانند حقوق اساسی انسانی را نادیده بگیرند و محدودیت هایی برای افراد ایجاد کنند.
 3. تشدید تفاوت ها و تفرقه: هر دو ممکن است باعث تشدید تفاوت ها و تفرقه میان اجتماعات شوند.
 4. از دست دادن همبستگی اجتماعی: نادیده گرفتن تنوع فکری و فرهنگی به از دست رفتن همبستگی اجتماعی منجر میشود.
 5. استفاده از قدرت در جهت مصلحت: این دو جریان ممکن است از قدرت سیاسی برای تحقق اهداف خود و به نفع گروهی خاص استفاده کنند.
- این شباهت ها نشان دهنده خطراتی است که از جانب هر دو جریان ممکن است ظاهر شوند و نیاز به توجه به آنها برای حفظ ارتباطات معقول و احترام به حقوق انسانی دارد.

مادح احمدی:

نوروز در کوردستان یک ماهیت کاملاً سیاسی و هویتخواهی به خود گرفته است و نگاه ایرانشهری جریانهای تمامیت خواه را به چالش کشیده و محوریت کورد را به عنوان یک ملت برجسته نموده است



مصاحبه: شهرام سبحانی

اشاره: نوروز بعنوان جشن ملی کوردستان، جشنی با قدمت قامت تاریخ که هر ساله در تمام نقاط مختلف این دیار کهن برگزار میشود. و مردمان این دیار به شکلی یکنواخت و منسجم با وجود جو کاملاً امنیتی خود را ملزم به برپایی و شرکت در مراسمات نوروزی میدانند و هر ساله روح تازه‌ی به تاریخ و فرهنگ غنی خود می بخشند.

در این گفتگو با سوالاتی نظیر، "تفاوت نوروز کوردی با نوروز ایرانی چیست؟، پیامدهای مثبت جشن نوروز در روند گسترش جنبش آزادیخواهی کوردستان چیست؟، چرا جمهوری اسلامی هر ساله با برگزاری مراسم های نوروزی در کوردستان مخالفت میکند و یک جو کاملاً امنیتی را بجا میآورد؟، آیا احزاب کوردستان توانسته‌اند از جشن نوروز برای اتحاد میان خود استفاده کنند؟" روبرو خواهیم شد که برای پاسخگویی به این سوالات مصاحبه‌ی با آقای مادح احمدی، عضو رهبری حزب دموکرات کوردستان ایران خواهیم داشت.

آقای احمدی خیلی ممنون از اینکه دعوت ما را پذیرفتید ابتدا با این سوال گفتگو را شروع میکنیم. تفاوت نوروز کوردی با نوروز ایرانی چیست؟

به باور من تفاوت نوروز در کوردستان با نوروزی که در دیگر مناطق ایران برگزار میشود، یک تفاوت بنیادی است که میتوان آن را از جنبه‌های مختلف بررسی کرد. ایرانیها و کسانی که خود را ایرانی میدانند در ساده‌ترین حالت به گونه‌ای یکنواخت و شکلی به نوروز به عنوان جشن فرا رسیدن سال نو و انجام مجموعه‌ای از سنتهای ایرانی به آن می نگرند. در کنار این نیز، جریانهای تمامیت خواه از یک نگاه ایرانشهری به نوروز می نگرد و از آن به عنوان «عید باستانی ایرانیان» یاد می کنند. اگرچه نوروز در کشورهای افغانستان، تاجیکستان و حتی در ارمنستان نیز برگزار می شود، ولی آنها معتقدند که نوروز عید باستانی ایرانیان است و از آن به عنوان ابزارهای برای یکنواخت سازی و ترویج «مفهوم فانتزی» یک ملت تحت عنوان «ملت ایران» استفاده می کنند.

در کوردستان مناسبت های نوروزی کاملاً با دیگر مناطق ایران و نگاه ایرانشهری تمامیت خواهان متفاوت است. به باور من نوروز در کوردستان یک ماهیت کاملاً سیاسی و هویتخواهی به خود گرفته است

و نگاه ایرانشهری جریانهای تمامیت خواه را به چالش کشیده و محوریت کورد را به عنوان یک ملت برجسته نموده است. به عبارتی می توان آن را به عنوان مرحله‌ای نوینی از تقابل میان ناسیونالیسم کوردی و ناسیونالیسم ایرانی قلمداد کرد.

از سوی دیگر، نمادهای بکارگرفته در مراسم های نوروزی کوردستان، شعارها و محتوای پیامهای نوروزی، مشارکت زنان و نمود عینی برابری میان زن و مرد، وسعت جغرافیایی و... مجموعه‌ای از عوامل دیگر هستند که نوروز کوردستانی را از نوروز ایرانیان متمایز می کند.

پیامدهای مثبت جشن نوروز در روند گسترش جنبش آزادیخواهی کوردستان چیست؟

جنبش ملی-دموکراتیک کوردستان در طول دهه‌های گذشته فراز و نشیب های زیادی را تجربه کرده است. بطور مداوم از سوی رژیم های اشغالگر کوردستان مورد سخت ترین سرکوب ها قرار گرفت است، ولی با وجود سالها سرکوب، شکنجه، اعدام، اعمال فشار سیاسی و اقتصادی و حمله‌ی نظامی علیه مردم و احزاب سیاسی کوردستان، این جنبش مسیر خود را در راه رسیدن به اهداف بنیادین خود پیموده و هیچ فشار و سرکوبی نتوانسته میسر این جنبش را منحرف و یا سد کند. مثلاً، اگر در مقطعی شرایط بکارگیری مبارزهای مسلحانه در مبارز با رژیم به مانند گذشته نبوده، این جنبش از حرکت نیافتاده است و در اشکال دیگر راه خود را در مبارزه با رژیم پیدا کرده است. با جرات می توان گفت که مردم کوردستان در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی ایران ابتکار عمل را در دست دارند و مبتکرانه عمل می کنند و این یکی از رازهای تداوم این جنبش است. منظورم از این بحث این بود که بگویم نوروز اکنون در کوردستان به شکلی از مبارزهای مدنی و مقاومت دموکراتیک در مقابل یکی از پیچیده ترین و مخوفترین ساختارهای سرکوب در جهان تبدیل شده است. از این رو پیامدهای دراز مدتی خواهد داشت که نمونه‌ای عینی آن را ما در مراسم های عظیم نوروزی در ایلام و کرمانشاه دیدیم. تمام تلاش نهادهای امنیتی حکومت در طول دهه‌های گذشته این بود که این مناطق را از پیکره‌ای جنبش ملی-دموکراتیک کوردستان جدا کنند. نوروز ایلام برای همیشه ایده خیال پردازانه را وارونه کرد و نشان داد این مناطق بخشی جداناپذیر از جنبش سیاسی کوردستان هستند.

بنابراین، یکی از پیامدهای ماندگار و مهم نوروز امسال را تغییر توازن قوا به نفع جنبش ملی مردم کوردستان و توسعه‌ی دامنه‌ی جغرافیایی فعالیت های هویتخواهانه‌ی مراسم های نوروزی کوردستان است.

چرا جمهوری اسلامی هر ساله با برگزاری مراسم های نوروزی در کوردستان مخالفت میکند و یک جو کاملاً امنیتی را بجا میآورد؟

همانگونه که در پاسخ به پرسش قبل به آن اشاره کرده‌ام، جمهوری اسلامی مخوفترین ساختار سرکوب را در جهان دارد و در طول دهه‌های گذشته از وحشیانه ترین اشکال خشونت علیه مخالفان خود استفاده کرده است. اساساً یکی از پایه‌های ماندگاری جمهوری اسلامی تا امروز، نظام سرکوب آن است و این یکی از ویژگیهای نظامهای مستبد و دیکتاتور هست. بنابراین، چنین نظامی برای تحلیل و برخورد با پدیده‌ها و تغییرات درون جامعه، از یک رویکرد کاملاً امنیتی استفاده می کند. از این رو، طبیعی است که آنها از یک دیدگاه امنیتی با مراسم های نوروزی برخورد کنند. البته نهادهای امنیتی حکومت با توجه به بررسیهای قبلی خود، در ابتدای ماه اسفند تلاش کردند که از طریق شورای شهرها و فرمانداریها بتوانند کنترل این مراسم ها را در دست بگیرند، ولی با توجه به اینکه ابتکار عمل در دست مردم و فعالین مدنی بود، آنها شکست خوردند و نتوانستند کنترل نوروز را بدست بگیرند.

همانگونه از سوال شما هم پیداست، این سیاست امنیتی تنها شامل نوروز امسال نمی شود. یاد دارم حدود ۲۲-۲۳ سال پیش، که آن زمان وسعت برگزاری مراسم های نوروزی بیشتر در سطح محلات شهرها بود، در سنه (سنندج) شخصی به اسم "سرهنگ دولتی" از اطلاعات نیروی انتظامی سنندج، در محلات مختلف سنه به جان جوانان می افتاد مراسم های نوروزی را به هم می زد. امروزه می بینیم که مقاومت مردم، ساختار امنیتی و نظام سرکوب جمهوری اسلامی به زانو درآورده و این ساختار مخوف در مقابل اراده و خواست مردم شکست خورده است. در واقع میتوان گفت که مراسم های نوروزی کوردستان، وحشتی که ساختار سرکوب جمهوری اسلامی درست کرده بودند درهم شکسته و وقتی که در مراسم نوروزی ایلام ما می بینیم که جمعیتی بالغ بر ۵۰ هزار نفر در آن حضور داشتند، این نشان از پیروزی اراده‌ی مردم در مقابل رژیم است که تا دندان علیه مردم مسلح است.

تفاوت نوروز امسال با سالهای دیگر چیست؟

مراسم های نوروزی کوردستان از یک نگاه کلی می توان آنها را در امتداد یکدیگر طبقه بندی کرد که در آن هویتخواهی و محوریت جنبش کوردستان کاملاً برجسته و مشخص است. به باور من، بعد از "قیام ژینا" نوروز امسال کوردستان، بزرگترین نمایش ملی مردم کوردستان بود و یک بار دیگر ما شاهد آن بودیم که در مقایسه با کلان شهرها و دیگر مناطق ایران "حاشیه" امروز نقش کلیدی را ایفا می کند و کوردستان کانون این تحولات است.

در کل می توان تفاوتها و ابتکار عملهای تازه‌ای را در نوروز امسال در مقایسه با سالهای گذشته برشمرد. به عنوان مثال در "شعار" ما قبلاً "نه‌وروزی جامانه‌کان" را داشتیم، ولی امسال علیرغم حضور به‌جا و معنادار "جامانه"، شعار "نه‌وروزی مه‌شخه‌لانی رزگاری" در تمام مراسم های نوروزی وجود داشت. از این رو می توان گفت که نوروز امسال تا حد زیادی نسبت سالهای گذشته نیز "رادیکال" تر بود. علیرغم اینها، بزرگترین و مهم ترین تفاوت نوروز امسال با سالهای گذشته در وسعت جغرافیایی آن بود. مثلاً در سالهای گذشته، کانون پررنگ مراسم های نوروزی شهر "سنه" و شماری از روستای کلیدی اطراف آن بود. اما امسال ما در ارومیه، موکریان، در دهگلان، روستاهای اطراف قروه و کرمانشاه شاهد مراسم های باشکوه نوروزی بودیم. مهمتر و متفاوتتر از همه مراسم های کارزان، سیروان و مه‌لکشاهی ایلام بودند که بی سابقه بود. ناگفته نماند که مشارکت و نقش کلیدی خانواده‌ی شهدای "قیام ژینا" یکی از جنبه‌های بسیار زیبا و معنادار نوروز امسال بود که کوردستان را از همه متمایز کرده است.

آیا احزاب کوردستان توانسته‌اند از جشن نوروز برای اتحاد میان خود استفاده کنند؟

یکی از مؤلفها و شاخص های مراسم های نوروزی کوردستان، اتحاد و همگرایی میان مردم است که ما آن را در مشارکت و حضور رنگارنگ مردم کوردستان دیدیم. به اعتقاد من، این یک نقد جدی است که ما این میزان از اتحاد و هماهنگی را در میان احزاب کوردستان نمی بینیم. مثلاً در جریان "قیام ژینا" احزاب و جریانهای سیاسی کوردستان نتوانستند، حجم اتحاد و محوریتی که ما در کوردستان در درون جغرافیای بنام "ایران" داشتیم، در خارج

از ایران آن را در میان خود به نمایش بگذارند. در مراسم های نوروز هم ما چنین تعاملی را شاهد هستیم که این خود یک کاستی بزرگ است.

به اعتقاد من راه حل خروج از بحران در میان احزاب، ایجاد یک پروژه‌ی سیاسی هدفمند است که از طریق آن در مرحله‌ی اول سطح هماهنگی و اتحاد میان احزاب را افزایش داد و در مرحله‌ی دوم سطح قابل قبولی از هماهنگی میان احزاب، نخبگان، فعالین و نهادهای مدنی جامعه ایجاد کرد و در نهایت نیز از طریق آن تحولات را مدیریت کرد.

پیامهای جشن نوروز امسال برای سران رژیم چیست؟ به نظر شما چگونه می توانیم از جشن نوروز در جهت رسیدن به مطالبات خود استفاده کنیم؟

در یک کلام مردم کوردستان از طریق مراسم های نوروزی کوردستان به سران رژیم گفتند که بعد از بیش از چهار دهه بکارگیری وحشیانه ترین اشکال سرکوب علیه مردم کوردستان، کوردستان هنوز تسخیرناپذیر است و هیچ حکومت مرکزگرا و مستبدی نمی تواند کنترل کوردستان را به دست بگیرد. در جریان "قیام ژینا" مردم در کوردستان و بلوچستان ساختار سرکوب جمهوری اسلامی را فلج کردند. در نوروز امسال نیز در شکلی دیگر مردم کوردستان این پیام را با حضور پررنگ خود دوباره تکرار کردند.

در رابطه با بخش دوم پرسش شما همانگونه که قبلاً نیز به آن اشاره کردم، تقابلی شدیدی در میان ناسیونالیسم ایرانی و ناسیونالیسم کوردی وجود دارد و نمونه آن را در دیدگاه نخبگان !! تمامیت خواه و در چگونگی تعامل طرفداران و افراد وابسته به جریانهای تمامیت خواه با تحولات کوردستان در رسانه‌ها و فضای مجازی می بینیم. در این رویارویی ناسیونالیسم کوردی مسیر درستی در پیش گرفته است که در آن هویتخواهی و مطالبه محور بودن جنبش کوردستان برجسته است. بدون شک مراسم های نوروزی و تحولات درون جامعه‌ی کوردستان برآینده و چگونگی پیشبرد این مهم تاثیرگذار است. اما مهتر از همه ما در راستای تحقق مطالبات ملی مردم کوردستان، برای مدیریت و رهبری این تحولات به یک پروژه‌ی سیاسی بنیادین نیازمندیم.

آقای احمدی خیلی ممنون از اینکه برای این مصاحبه وقت گذاشتید. خواهش می کنم.

آشیانه عقاب از آن عقاب است!



زانیار حسینی

سوختن هستند و جهان در تحریر چنین شکوهیست. انقلاب بهاری در پی انقلاب جهانی ژینا از نو حماسه آفریده و دوباره جهان را به تعظیم وا داشته است؛ کجای این کره خاکی چنین شکوه و عظمتی را میتوان خلق نمود بجز در کوردستان!

نغمه دلنشین فرا رسیدن سال نوی کوردی در جای جای کوردستان و در لابلای رنگهای زیبنده و تحریرآور لباس کوردی و رقص ملی، روح و روان هر ناظری را به وجد می آورد. رنگهای زیبا و فاخر، رقصهای متنوع مسحور کننده و موسیقی دلربای مطربان زندگی، چنان در تار و پود تاریخ پر شکوه این مردمان و خاکش جای خوش کرده است که گویی تمام آرزوهای دست نیافتنی نویسندگان چیره دست در این دیار رنگ می بازند و در برابر شکوه قاب رنگین نوروزی اش سر تعظیم فرود می آورند.

سال نوی کوردستان شبیه و همانندش را کجا میتوان یافت و کدام قلم توان وصف چنین شکوه مندی را دارد؟

آری اگر از فرزندان زاگرس بپرسید که تفاوت شما با دیگران در چیست، بی درنگ پاسخ خواهند داد و می گویند: در عشق ورزیدن به زندگی!

دیربازیست که دشمنان آزادی، شادی و زندگی به این راز آشکار در کوردستان پی برده اند و هرچه در توان داشته اند را به خدمت گماشته اند بلکه توان ربایش این شکوه مندی را داشته باشند؛ زهی خیال باطل که عشق ورزیدن به زندگی را امکان بودن نیست!

کیست که تواند روح حقیقی زندگی را از این مردم بگیرد و به بند کشد؟ کدامین

اسطوره آنان یارای مقابله با چشمه های زیبای دامنه های زاگرس را دارد؟

آنان نان در خون فرزندان ما می غلتانند و روزه یشان را می گشایند؛ آنان تسبیح به دست میگیرند، ریش می گذارند، چفیه به دور گردن می اندازند و به نام مرگ به جنگ زندگی می آیند. آنان کراوات می بندند، ریششان را از بیخ می تراشند و به نام کرکس (همای سعادتشان) به جنگ عقاب (نماد ملی کوردستان) می آیند اما نمی دانند که آشیانه عقاب از آن عقاب است و از آن عقاب می ماند!

آنان دیربازیست که با هر جور نامی، رنگی و باوری در پوششهای متفاوت و افکار متسلسل شیطانی، سعی در رخنه کردن دارند. آنچه آنان را می آزارد، ذهن و قلب دست نخورده ماست و آنچه آنان در برابرش مستاصل هستند، اراده پولادین ماست. آری در کوردستان چنین است؛ مردمانش زندگی را به مرگ، هستی را به نیستی و رنگهای طبیعت را به عمامه های سیاه ترجیح می دهند!

خدای آنان، خدای مرگ و زجر است و خدای ما، خدای صلح و آرامش؛ کیست که چنین تفاوت های فاحشی را نبیند.

آنان سالیان درازبزیست به دنبال اشغال آرامش و صلحند اما دریغ که نمی دانند، اینها اشغال شدنی نیستند. ابتدا گمان بردند که تمدن و فرهنگ ما ریشه در خاک دارد؛ خاک را اشغال نمودند. سپس حدس زدند که دمکراسی و سرزندگی ما جای در آب دارد؛ چشمه ها را به اسارت در آوردند. چشم حسادتشان به مقاومت و شجاعتمان دوخته شد؛ کوهها را به بند کشیدند. باز دیدند و دیدند و دیدند که ما همانها را

هنوزم داریم و آنها هنوز هیچکدامشان را ندارند و شرط چنین داشته هایی نه حضور در این خاک بلکه تعلق خاطر و عشق بدان است!

چنان کر و کورد و بر روانشان سیاهی آشیانه کرده است که نمی توانند روح حقیقت را دریابند؛ کوههای پر صلابت، چشمه های رها و خاک اجدادی قابل اشغال و تصاحب نیستند هرچند اگر زورشان تا به امروز چربیده باشد.

آنان چه خدعه و نیرنگی مانده است که بکار گیرند تا به جیال خودشان ما را به بند جهان جهالت و سیاهییشان کشند؟

کتابها را سوزاندند، فرهنگ ها را کوبیدند، تاریخ را به جهان تحریف و جعل بردند، جوانان را کشتند و چه جنایتها که در حق این خاک و ملت که نکردند اما ما همچنان پابرجا مانده ایم و همان هایی هستیم که بودیم!

به لطف رسانه های دسته جمعی و همت شیر زنان و دلیر مردان این دیار بر کسی پوشیده نیست که کمتر از دو سال بر جنایات، سرکوبهای زنجیره ای و سیستماتیک و کشتار ملت کورد در کوردستان گذشته است و هنوز هم اثرات جنایات اشغالگران در هر کوی و برزن این خاک هویدا و عیان است. هنوز هم جوانان ما را می ربایند، شکنجه می کنند و جانشان را می ستانند؛ ترس، خفقان، مرگ و سایه تاریکی را در همه جای این خاک پراکنده نمودند و به خیال خودشان که کوردستان هم بمانند سوریه، لبنان، یمن و عراق است. تنها فرا رسیدن جشن مقاومت نوروز و سرآغاز سال نوی کوردی برای ملت کورد کافی بود تا نشان دهد هر آنچه را که

می بایست به رخ اشغالگران کشد! در نوروز ملی ژینا، آتش نوروزمان چشمه ها، کوهها و دشتهای زیبا را روشن نمود و به اذهان عمومی وعده روشننگری داد؛ اینبار روشنائی حقیقت نه تنها در کوردستان که در پایتخت تاریک پلیدپرستان نیز همگان را به گرد آمدن به دور روشنائی آتش پولادین اراده دعوت نمود.

پاییز دو سال قبلمان را با خون شستند و ما با زنده شدن طبیعت و آمدن فصل حیات، مژده رهایی و آزادی را به گوش جهانیان رسانیدیم. برآستی در کوردستان کدامین سلاحها توانایی بازدارندگی داشته اند که کنون جلادان عمامه سیاه چنین خیالی دارند؟

آنان با رفتن به بلندای کوههای این خاک و بوم، بنا نمودن خانه های متعفن افکارشان در آنجا و یا با درست کردن سدهای خیانت و در بند نمودن رهایی چشمه ها در توهم کوردستانی بودن و تصاحب تاریخ و فرهنگ ما بودند و نمی دانستند که روح عشق و روشنائی راستی ها مصادره نمی شود. نمی دانستند که کوهها آنان را پس خواهد زد و چشمه ها سدها را درهم خواهند شکست و نغمه آزادی در گوش زندگی تا به ابد نواخته خواهد شد.

آنان نمی دانند و هیچگاه نخواهند دانست که ژینا اگر برای آنان تنها اسم دختری کورد از سقز است، برای ما راز ماندگاریمان از هزاران سال قبل تا به اکنون است؛ آنان هیچگاه نخواهند فهمید که جهان ژن، ژبان، نازادی ما با جهان مجعول زن، زندگی، آزادی آنان تا چه اندازه متفاوت و از یکدیگر فاصله دارد.

مخالفت جمهوری اسلامی با همه پرسی، آگاهی از نارضایتی مردم است

از سوی دیگر و به گزارش "حال وش"، روز جمعه 10 فروردین ماه 1403، نیروهای نظامی همانند جمعه های گذشته در اطراف مصلی و مسجد مکی و خیابان های منتهی به آن مستقر شده و با ایجاد ایست و بازرسی اقدام به کنترل نمازگزاران کرده اند.

مولوی عبدالحمید در نماز جمعه این هفته زاهدان ضمن آن که «همه پرسی» و احترام به رای اکثریت مردم را بهترین راه برون رفت از وضع موجود دانست، تاکید کرد که «مردم هستند که سرنوشت خودشان را تعیین می کنند و حاکم را انتخاب می کنند».

مولوی عبدالحمید اضافه کرد: «در ادارات و سازمان ها تبعیض بیداد می کند. در استخدام ها و بکارگیری سنی ها و در آموزش و پرورش که زیربنای ترقی و پیشرفت است ولی همواره تبعیض و دغدغه بوده است. بارها شکایت شده، اما نتیجه ای نداشته است. در مناطقی که هشتاد درصد اهل سنت هستند، هیچ مسئولی سنی نیست.» او اضافه کرد: « فشار و سرکوب و زندان جواب نمی دهد.

نماز جمعه زاهدان با حضور نیروهای نظامی رژیم در اطراف مسجد مکی برگزار شد و مولوی عبدالحمید، امام جمعه زاهدان بار دیگر به انتقاد از سیاست های رژیم اسلامی ایران پرداخت.

مولوی عبوالحمید روز جمعه ۱۰ فروردین ماه، در خطبه های خود به مسئله «همه پرسی» در ایران پرداخت و علت مخالفت مسئولان رژیم با این موضوع را آگاهی آنان از وضعیت کشور و نارضایتی مردم عنوان کرد.

نامبرده همچنین افزود که مردم به امید برقراری عدالت، آزادی، برابری و برادری به جمهوری اسلامی رای دادند و قرار بود که فقر و تنگدستی در کشور نماند و ثروت های ایران برای ملت خرج شود. امام جمعه زاهدان در ادامه سخنان خود به افت روزانه ارزش پول ملی، تزلزل اقتصاد و عدم ثبات اقتصادی ایران اشاره کرد. مولوی عبدالحمید در بخش دیگری از سخنان خود از عدم آزادی بیان در ایران انتقاد کرد و گفت: قرار بود که مردم از آزادی های سیاسی همچون حق انتقاد و آزادی قلم و آزادی بیان برخوردار باشند.

انتقال کیانوش چراغی به زندان رژیم در ایلام جهت اجرای حکم حبس



خود محکوم شده بود. این شهروند کورد که پیشتر نیز در ۵ مهرماه ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود، بار دیگر در مورخ ۱۱ مهرماه ۱۴۰۲ پس از یورش نیروهای امنیتی رژیم به منزل شخصی اش و با توسل به خشونت بازداشت شده و پس از اتمام مراحل بازجویی با تودیع قرار وثیقه و بصورت موقت تا اتمام مراحل بازجویی آزاد شده بود.

کیانوش چراغی، شهروند کورد اهل "دهلران" ایلام که از سوی شعبه اجرای احکام دهلران احضار و به زندان رژیم در ایلام منتقل شد.

همچنین نامبرده در پرونده ای دیگر در تاریخ ۱۵ آبان ماه ۱۴۰۲، به اتهام "نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی از طریق سامانه های رایانه ای" توسط شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو رژیم در دهلران به ۲ سال حبس تعزیری و نوشتن ۲۰۰ صفحه از سرگذشت و وصیت نامه ده تن از کشته شدگان جنگ ایران و عراق با خط

کیانوش چراغی، شهروند کورد اهل "دهلران" ایلام که از سوی شعبه اجرای احکام این شهرستان احضار شده بود، بازداشت و جهت اجرای حکم حبس به زندان رژیم در ایلام منتقل شد.

بر اساس گزارش "کوردپا"، کیانوش چراغی که در مهرماه ۱۴۰۲ از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب رژیم در دهلران به اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" به یک سال حبس تعزیری با احتساب ایام قبلی بازداشت محکوم شده بود، در مورخ ۵

حکمرانی شادی، در عصر استبداد دینی

قبل از خداحافظی



بهار حسینی

و شاید مهمترین دلیل آن این واقعیت باشد که چنین شخصیت هایی به دلیل قدرتی که دارند در سایر شرایط و زمانها در واقع از گزند انتقاد آشکار مصون می مانند. هر شخصیتی که خشم مردم را برانگیخته است، مفسدین دولتی، بی رحمی نظامیانی که از جایگاه خود سوء استفاده می کنند، مقامات فاسد محلی و حاکمیتی طماع و شهوتران، خود را هدف حملات هماهنگ کاروان های شادی مردم آزادی خواه می بینند. نهادهای سیاسی هم هدف مردم شاد می باشند، به ویژه مراکز علمی حوزوی که در برابر حاکمیت مستبد منفعل هستند. آیین های دینی، و تلاش حاکمیت دینی، در تاریخ سال های شان، شادی مردم را پایگاه بالقوه (اگر نگوییم واقعی) بی نظمی و آشوب می دانسته اند که نیازمند مراقبت مستمر است. در حالی که شادی یک ملت علاوه بر حیات اجتماعی و فرهنگی قرن ها را به یدک می کشد، حیات سیاسی و گزنده خود را حفظ می کند. جایگاه ممتاز نمادگرایی ستیزه جویی علیه ارکان قدرت محدود کننده ی آزادی ملت است. ملتی که در تمام سال های حکومت اسلامی، شادی اش در استتار وارونگی فرهنگی قرار داشته است. البته شادی سیاسی مردم، تلاشی برای یافتن یک موقعیت آرمانی نیست، بلکه رقصی ست در ایجاد روابط قدرت، و حکمرانی بی بدیلی ست، در عصر استبداد دینی

به هویت جمعی مبارزه پیوند زده اند. گروه های آزادی خواه با درک این نکته، زرادخانه ی بزرگی از تکنیک هایی را ایجاد کرده اند که در خدمت پنهان ساختن هویت فردی آنان و تسهیل جنبش های جمعی، تهدید، و حمله ی آشکار جمعی ست علیه حاکمیت تزویر. تکنیک های برجسته ای که برای دستیابی به این هدف به کار می روند، تسخیر روان های رنجور در جهت تولید روان شادی های دسته جمعی نخواستار امید و آینده در گوش های هم است. جالب ترین نکته درباره ی شادی سیاسی این است که چگونه اجازه می دهد برخی چیزها گفته شوند و برخی از شکل های قدرت اجتماعی اعمال شوند که در بیرون از حوزه ی آیینی خاموش یا سرکوب شده اند. گمنامی مردمان آزادی خواه شاد اجازه می دهد مجازات های اجتماعی جامعه با صدایی رسا بازگو شوند. آیین های شادی علاوه بر این دادگاه غیر رسمی مردم نیز هست که در آن می توان ترانه های گزنده و هجویات را مستقیماً در برابر بی آبرویان و فاسدان خواند. بنابراین، در فلسفه ی سیاسی، شادی، جشنواره در مفهوم فیزیکی کلمه است، جشنواره ی خشم و نفرت. بخش بزرگی از ستیزه جویی که در خیزش های شادی می بینیم به سوی شخصیت ها، یا حکومت هایی هدایت می شود که نماد انحصار فرهنگ منحط اجتماعی علیه توده مردم، و تاریخ یک ملت اند.

مردم روبه رو شده است. آزادی خواهان می دانند، که اگر منطق سلطه حاکم شود، آن ها دچار حالت جنگ همه با همه می شوند. بر همین اساس، مردم آزادی خواه، از طریق فرهنگ سیاسی شده ی شادی، به طور رسمی میزان زیادی از همنوایی با معیارهای مشترک در اتحاد با هم را تقویت می کنند، که معیارهای مسلط را نقض می کند. آن جا که خشم اقتضا می کند خون در برابر خون است، آنجا که بدن ها را حکومت اسلامی می خواهد به اندوه هزار و چهارصدساله بدل سازد، رقص می شوند مردم. شادی می شوند انبوه خلق. بنابراین تعجبی ندارد که ملت هم سرنوشت در جامعه ای بی آینده، فرهنگ متمایز واحدی را تشکیل می دهند. آنها رمزا، اسطوره ها، قهرمانان و معیارهای اجتماعی خاص خود را می سازند، یا اکنون بازتولید می کنند. پایگاه اجتماعی ای که آنها روایت آشکار خود را در آن می سازند خود مکانی واحد و منسجم است و با اصول قدرتمند متقابلی محصور می شود که گفتمان های حاکمیت و نیروهای وابسته اش را دور نگه می دارد، و چه چیزی برتر از تاریخ باستانی علیه ایدئولوژی جعلی حکومت اسلامی. استبداد هرگز از تاریخ قوی تر نخواهد بود، استبداد هرگز از مردم قوی تر نخواهد بود. مردم از طریق تبدیل روایت نهانی مبارزه به آشکار علیه حاکمیت، هویت فردی مبارزه را

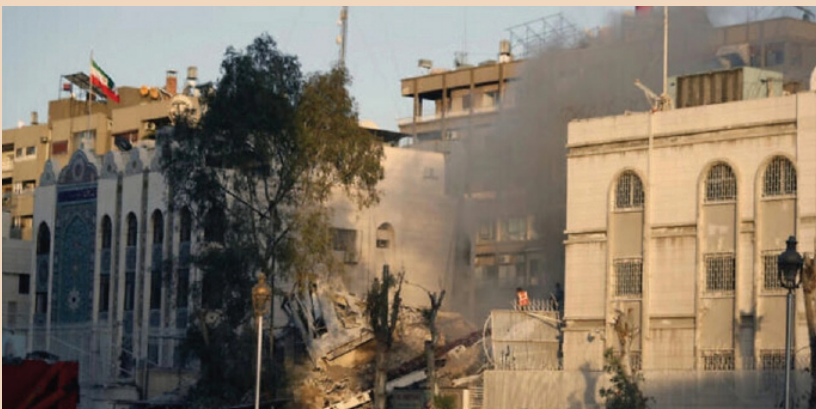
دو این شرط برآورده شوند با کمترین خویشتنداری از جانب حکومت همراه است: نخست هنگامی که در پایگاه اجتماعی جداگانه ای بیان شود که از دسترس کنترل و نظارت و سرکوب حاکمان به دور است و دوم هنگامی که این محیط اجتماعی جداگانه کاملاً از معتمدان نزدیکی تشکیل شده باشد که سلطه ی مشترکی را تجربه کرده اند. شرط نخست همان چیزی است که مردم اجازه می دهد آزادانه سخن بگویند در حالی که شرط دوم تضمین می کند آنها در میانی مشترک خود چیزی داشته باشند که درباره اش سخن بگویند. مردم دیگر بجای مساجد به کافه ها می روند و می رقصند، پارلمان را از بهارستان به خیابان ها منتقل کرده اند. بجای روضه خواندن در پاسارگارد هلهله می کنند و در خیابان ها نوروز مشعل های آزادی برپا می کنند. این نوعی تغییر ساختار سیاست است، رقص های سیاسی، نوعی از حکمرانی توده مردم علیه حاکمیت مستبد شده است. و مهمترین گواه اهمیت حیاتی این کنش های مبتنی بر شادی، آن است که حاکمیت مسلط و گروه های وابسته به آن تلاش سرسختانه ای می کنند برای برچیدن این پایگاه های خودانگیخته ی مردمی. وقتی الگوی نظام سلطه، به پراکنده سازی کامل و نظارت بر آزادی خواهان منتهی شده است، با مقاومت متقابل

واکنشها به حمله به کنسولگری رژیم در دمشق؛ محکومیت و تهدید به انتقام سخت

کشته شدن شماری از فرماندهان ارشد سپاه در حمله اسرائیل به دمشق

حمله را بر عهده اسرائیل است. نامبرده همچنین طی پیامی در شبکه اجتماعی "ایکس" از احضار کاردار سوئیس بعنوان حافظ منافع آمریکا در ایران خبر داد و گفت که پیامی مهمی به آمریکا ارسال شد و این کشور بعنوان حامی اسرائیل بادی پاسخگو باشد. ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه رژیم ایران ضمن محفوظ دانستن حق رژیم برای اقدامات متقابل، گفت که ایران به نوع واکنش و تنبیه اسرائیل تصمیم می گیرد. حسین اکبری، سفیر رژیم ایران در سوریه نیز اعلام کرد که اسرائیل از خطوط قرمز بین المللی عبور کرده و جمهوری اسلامی جواب متناسب با این اقدام را در زمان و مکان مناسب خواهد داد. محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در واکنش به کشته شدن فرماندهان ارشد سپاه از واژه تکراری "انتقام سخت" علیه اسرائیل سخن گفت و اسرائیل را به مجازات سخت تهدید کرد.

در واکنش به حمله مرگبار ارتش اسرائیل به ساختمان کنسولگری رژیم ایران در دمشق، مقامات ارشد رژیم اسلامی ضمن محکوم کردن این حمله، بار دیگر اسرائیل را به حمله سخت و در مکان و زمان مناسب تهدید کردند. بنا به گزارش خبرگزاری های رسمی ایران، دبیرخانه شورای عالی امنیت رژیم شامگاه دوشنبه ۱۳ فروردین ماه با حضور ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری رژیم تشکیل جلسه داده و اعلام کرده اند که تصمیمات مقتضی به منظور واکنش به حمله اسرائیل به ساختمان مرتبط با سفارت این رژیم در سوریه اتخاذ شده است. ابراهیم رئیسی ضمن تهدید اسرائیل اعلام کرد که اسرائیل با این اقدامات هرگز به اهداف خود نخواهد رسید و این حمله اسرائیل نیز بی پاسخ نخواهد ماند. حسین امیر عبداللہیان، وزیر خارجه رژیم اسلامی ایران نیز حمله اسرائیل را نقض تمامی تعهدات و کنواسیون های بین المللی عنوان کرده و خواستار پاسخ جدی جامعه بین المللی به این حمله شد و گفت که مسئولیت عواقب این



تایمز" به نقل از مقامات اسرائیلی اعلام کرد ساختمان مورد هدف مقر سپاه پاسدان بوده نه کنسولگری و به نشست رهبران سپاه و اعضای جهاد اسلامی فلسطین حمله شده است. امیر عبداللہیان، وزیر امور خارجه رژیم ایران نیز حمله اسرائیل را نقض فاحش مقررات بین المللی عنوان کرده و مسئولیت حمله به کنسولگری ایران را متوجه اسرائیل دانست. از سوی دیگر، سخنگوی ارتش اسرائیل نیز در خصوص حمله منتسب به این کشور گفت که درباره گزارشها در رسانه های خارجی اظهار نظر نخواهد کرد.

در امور حزب الله، حماس و شبه نظامیان عراقی و مسئول شبکه سازی و تقویت این شبه نظامیان علیه اسرائیل معرفی کرد. سپاه تروریست پاسداران نیز طی بیانیه ای حمله به کنسولگری رژیم در دمشق و کشته شدن ۷ تن از فرماندهان ارشد این سازمان تروریستی را تایید کرد. حسین اکبری، سفیر رژیم ایران نیز اعلام کرد که اسرائیل با جنگنده "F۳۵" و ۶ موشک به کنسولگری ایران در دمشق حمله و تمامی افراد حاضر در این محل کشته و زخمی شده اند. در همین رابطه، روزنامه "تیویورک

در پی حمله آسمانی ارتش اسرائیل به یک ساختمان در مجاورت سفارت رژیم اسلامی ایران در دمشق، پاسدار محمدرضا زاهدی، فرمانده نیروهای سپاه تروریست پاسداران در سوریه و لبنان به همراه ۶ سپاهی دیگر کشته شدند. عصر روز دوشنبه ۱۳ فروردین ماه، در پی حمله آسمانی منتسب به ارتش اسرائیل به ساختمانی در مجاورت سفارتخانه رژیم ایران در منطقه المزه دمشق که از آن بعنوان کنسولگری این رژیم یاد می شود، ۷ عضو سپاه تروریست پاسداران به اسامی: محمدرضا زاهدی، فرمانده نیروی قدس سپاه تروریست پاسداران (شاخه نیروی قدس سپاه در سوریه و لبنان)، محمدهادی حاجی رحیمی، جانشین پاسدار زاهدی و از نیروهای شاخه سوریه و لبنان نیروی قدس سپاه پاسداران، حسین امین الله، رئیس ستاد کل نیروی قدس سپاه پاسداران (شاخه نیروی قدس سپاه در سوریه و لبنان)، مهدی جلالی، محسن صداقت، علی آقا بابایی و علی صالحی روزبهبانی کشته شدند. یک مقام اسرائیلی محمدرضا زاهدی را نماینده رژیم ایران